

تفسیری بازنمایانه از سیاست بین‌المللی دولت سیزدهم در منظومه جهانی قدرت

سعید چهرآزاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

چکیده:

نوشتار حاضر با اتکاء به این مفروض که سیاست خارجی دولت آیت‌الله رئیسی صرفاً با رهیافت‌های مادی‌گرایانه و عینیت‌محورانه قابل تفسیر، تبیین و مطالعه نمی‌باشد، درصدد تحلیل و واکاوی شاخص‌های چندگانه در تکوین و شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - در بازه زمانی سال اول دولت سیزدهم - می‌باشد. لذا سوال اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱-۱۴۰۰) چگونه باید از طریق رویکرد و رهیافت ارزیابانه مورد کنکاش قرار بگیرد؟ فرضیه کار نیز بدین صورت تدوین شده است که به نظر می‌رسد مولفه‌های چندوجهی معطوف به آرمان‌های انقلاب اسلامی اساس تکوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی مورد بررسی را شامل می‌شود. در این راستا تحقیق حاضر می‌کوشد تا نشان دهد مرحله ارزیابی در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صرفاً نباید به اتمام دولت ماکول شود، بلکه در ارزیابی‌های دوره‌ای و مقطعی، نیز در تکوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش به‌سزایی دارند. همچنین تحقیق فراروی مبتنی روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌گیری از سایت‌ها و مجلات چاپی و الکترونیکی و در مورد ابزار مورد استفاده نیز از فیش‌برداری استفاده شده است.

واژگان اصلی: سیاست‌گذاری خارجی، ارزیابی سیاستی، سیاست خارجی، دولت سیزدهم، آیت‌الله رئیسی.

مقدمه

جهت واکاوی سیاست خارجی کشورها عمدتاً پژوهشگران در پی به‌کارگیری از رهیافت‌ها و الگوواره‌های اصلی و عمده فکری در رشته روابط بین‌الملل همانند رئالیسم، ایده‌آلیسم و رفتارگرایی بوده‌اند. با توجه به جایگاه کنونی نظام بین‌الملل که متأثر از ژئوپلیتیک آشوب و آنارسی می‌باشد و همچنین بافتار هویتی غامض و انبوه جمهوری اسلامی ایران در برهه معاصریت این پژوهش، کندوکاو سیاست خارجی دولت سیزدهم در قالب رهیافت‌ها و الگوواره‌های مذکور به سهولت قابل درک نمی‌باشد و می‌بایست نسبت به حلقه ارزیابی در سیاستگذاری خارجی نیز توجه لازم صورت بگیرد.

سیاست خارجی دولت آیت‌الله رئیسی در برهه‌های مختلف از شروع تا زمان نگارش این پژوهش از نگاه رویکردهای ژورنالیستی مورد کنکاش قرار گرفته بود و کم‌تر پژوهشی به امر «مداقه علمی» و تاثیر آن در سیاست خارجی این دولت خصوصاً در در حوزه ارزشیابی سیاستگذاری خارجی پرداخته است. اگر هم مسئله‌ی ارزیابی را در پژوهش‌ها لحاظ کرده باشند بیشتر جنبه‌ی «تجویزی» مورد مذاقه قرار گرفته است؛ که این پژوهش از آنجا که تصمیم دارد از «تجویز محض» عبور کند و تاثیر ارزشیابی سیاستی را بررسی کرده و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی مذکور را مطالعه کند، از ابعاد جدید بودن و نوآوری در تحقیق است.

گفتمانی که با شروع ریاست جمهوری آیت‌الله رئیسی در سال ۱۴۰۰ بر سیاست خارجی ایران حاکم گردید، از آن با عناوینی چون «دولت مردمی ایران قوی» و یا «گفتمان عدالت» یاد می‌کند. (rahbordemoaser, 2021) در این گفتمان و در صورتبندی سیاست خارجی آن نسبت به دوره قبل تغییراتی ایجاد شد که آن تغییرات در قالب برجستگی «توازن» در مقابل طرد و به حاشیه رانده شدن برخی مولفه‌ها نمود پیدا کرد. به گونه‌ای که در تنظیم و توسعه روابط خارجی با همه مناطق جهان و کشورهای هدف‌گذاری شده در ساحت‌های متفاوت، محور آنچه «سیاست خارجی متوازن و دیپلماسی فعال، پویا و هوشمند دولت سیزدهم» نام نهاده شده، مورد فرمول‌بندی معنایی و گفتمانی قرار گرفته است.

نظام معنایی دولت سیزدهم

آیت‌الله رئیسی در اولین کنفرانس خبری خود نشان داد که عزتمندی، منافع ملی و سربلندی

ایران محورهای اصلی (دال های مرکزی) گفتمان دولت در عرصه بین الملل هستند. بررسی تاریخ ایران نشان می‌دهد که ایرانیان هر گاه در برابر دولتهای دیگر دچار خود کم انگاری شده اند، عرصه را باخته و هر زمانکه فارغ از عقلانیت به مصاف بیگانه رفته اند، بازنده میدان بوده اند. در این میان، خردمندی در عرصه گفتگو و تفاهم با همسایگان و سخن گفتن از سر عزتمندی و بلندنظری، همیشه برای فرهنگ و اقتصاد ایران نتایج خوبی به همراه داشته است. در جهان کنونی، قطبهای جدید قدرت به سرعت در حال سربرآوردن هستند و این مسأله فرصت مناسبی را برای دولت فراهم آورده تا بتواند از این عرصه خواسته همیشگی ایرانیان یعنی «صلح و دوستی» را به دیگر نقاط جهان صادر نماید. در شرایط کنونی، تعریف دقیق عمق استراتژیک کشور و برچیده شدن تفکر دوگانه پنداری میدان/دیپلماسی، فضایی را فراهم آورده که نه تنها به نتایج دیپلماتیک، بلکه به دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن هم میتوان امید داشت. برای دستیابی به چنین دستاوردهایی که کشور را در مسیر ارتباطات جهانی و توسعه ناشی از آن یاری رساند، قاطعیت در عملیاتی سازی این گفتمان، و رای تنگ نظری های جناحی، دسته ای و بانندی ضروری است. بنابراین، با توجه به موقعیت ژئوپلتیک کشور، گفتمان دولت در عرصه روابط بین الملل، نه تنها می‌تواند نقش آفرینی ایران اسلامی در عرصه تحولات منطقه ای و بین المللی افزایش دهد بلکه می‌تواند گرانیگاه رشد و توسعه اقتصادی باشد.(Farsnews, 2021)

دولت سیزدهم راهبرد سیاست خارجی خود را تحت عنوان "سیاست خارجی متوازن، دیپلماسی پویا و تعامل هوشمند" فرمول بندی کرده است. این راهبرد بر این اساس طراحی شده که "نظام بین الملل دوران گذار به سوی تغییری بزرگ را طی می‌کند... قدرتهای جدیدی در حال ظهور هستند و مفاهیم شرق و غرب معنای سستی خود را از دست داده اند..." تحولات جدید "فرصتی مناسب و ارزشمند برای کنشگری فعال، قدرتمند و موثر" فراهم می‌آورد. از نظر اصولی، راهبرد جدید نیز بر اصول سستی "نه شرقی-نه غربی"، "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"، و رعایت اصل "عزت، حکمت و مصلحت" تاکید دارد. تدوین کنندگان راهبرد جدید اذغان دارند که تلاش داشته اند تا ضمن پرهیز از خوش بینی و یا بدبینی، واقعیت های موجود را مبنا قرار دهند. مفاهیم به کار رفته در راهبرد سیاست خارجی دولت سیزدهم آمیزه ای از تداوم و تغییر است. اولین مفهوم مورد تاکید "سیاست خارجی متوازن" است. تعریفی که از این مفهوم به عمل آمده " برقراری روابط با کنشگران مختلف فارغ از قطب بندیهای رایج در حوزه‌های گوناگون

سیاسی، اقتصادی، علمی-فناوری فرهنگی، دفاعی، امنیتی و ... " است. در مفهوم متوازن، "تناسب" و "متقابل" نیز نهفته است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای دولت جدید گفته‌اند: "نوع رابطه ما با دولتها به نوع رابطه آنها با ما بستگی دارد... باید توازنی میان داده‌ها و دریافتی‌ها وجود داشته باشد." از نگاه رییس جمهور "توازن در سیاست خارجی به این معنی است که با تمام کشورهایی که به استقلال و تمامیت ارضی ما احترام می‌گذارند در پنج قاره عالم یک رابطه متوازن ایجاد کنیم." ایشان به درستی سیاست خارجی موفق را در دنیای جدید سیاست خارجی متوازن دانسته‌اند. منظور از مفهوم "هوشمند" در این راهبرد این است که ایران ضمن "شناخت صحیح اهداف و انگیزه‌های طرفهای مقابل، در تعاملی سازنده با آنها، روش و راهبرد خود را نیز هوشمندانه و مدبرانه تنظیم کند و در هر توافقی منافع ملی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را در نظر گیرد. هوشمندی به سیاست خارجی امکان می‌دهد تا از ایستایی پرهیز نموده و متناسب با تحولات و اقدامات دیگر کنشگران، رویکردهای خود را تنظیم و اصلاح کند. دیپلماسی فعال و پویا سومین مفهوم کلیدی در راهبرد سیاست خارجی دولت جدید است. بر اساس این مفهوم، جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود، به دنبال حضور ایجابی، سازنده و موثر در مناسبات و ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است... و تلاش می‌کند تا صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی با مشارکت فعالانه جمهوری اسلامی ایران برقرار شود. دیپلماسی پویا به دنبال "خروج از بن‌بست‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید و خلاقانه" از طریق ارائه گزینه‌های مختلف و ارتباط با بازیگران متفاوت است. راهبرد جدید تلاش کرده تا یکی از مشکلات سیاست خارجی ایران در سالهای گذشته را حل نماید و آن نوعی ناهماهنگی میان نهادهای تاثیرگذار در حوزه سیاست خارجی بود. راهبرد جدید، به درستی، میدان و دیپلماسی را مکمل هم دیده و بر "وحدت میان میدان و دیپلماسی" تاکید کرده است. بر اساس راهبرد جدید "میدان و دیپلماسی صاحب تجارب و توانمندی‌هایی" هستند و هم مسیر شدن آنها بر قدرت و اثرگذاری ایران خواهد افزود. دولت جدید در نظر دارد از "قدرت میدان" و "هنر دیپلماسی" برای تامین و تحکیم امنیت ملی و ثبات آفرینی در منطقه استفاده نماید. این هماهنگی و همسویی مقدمه‌ای است برای پیشبرد سیاست همسایگی، تنش‌زدایی در روابط و مدیریت چالشهای موجود در راستای منافع مشترک با همسایگان. آقای ریسی "مهمترین و اصلی‌ترین اولویت سیاست خارجی خود را ارتقای روابط با کشورهای همسایه" دانسته‌اند. در صورتی که این راهبرد با استقبال

همسایگان مواجه شود می‌تواند زمینه ساز ایجاد محیطی صلح آمیز برای توسعه و ثبات منطقه باشد. هرچند هنوز راه زیادی برای ارزیابی سیاست خارجی دولت سیزدهم در پیش است اما به نظر می‌رسد طی کمتر از یکسالی که از روی کار آمدن دولت جدید می‌گذرد این هماهنگی و همسویی و اولویت توانسته دستاوردهای مثبتی داشته باشد. در راهبرد دولت جدید گرایش به آسیا در مفهوم وسیع آن شامل اوراسیا، غرب و شرق آسیا، قفقاز و آسه آن در اولویت قرار گرفته و نگاه به شرق یا آسیا در آسیای دور خلاصه نشده است. حضور در سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تقویت سازمان همکاری اقتصادی اکو و فعال سازی کریدورهای ترانزیتی و اقتصادی شمال-جنوب و شرق-غرب در این راستا صورت می‌پذیرد. به طور خلاصه، واقع بینی، اولویت بندی، انسجام و هماهنگی، توازن، پویایی و تاکید بر خلاقیت و نوآوری از وجوه بارز راهبرد دولت جدید است. باید دید این راهبرد طی سالهای آینده تا چه حد به اجرا در می‌آید. (IPIS, 2022)

ساخت عملی سیاست خارجی «دولت مردمی ایران قوی»

سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جدید جمهوری اسلامی ایران، بیش از یک سال است که بر سر کار آمده است. درک مسائل ریاست جمهوری او به دلایل بی شمار، از جمله اهمیت تاریخی آن، سیاست خارجی دولت در چرخش به سمت آسیا، و استلزامات ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی چرخش ایران به سمت آسیا، حائز اهمیت فراوان می‌باشد. از نظر دکترین، سیاست خارجی رئیسی را می‌توان «انقلاب‌گرایی عمل‌گرا» توصیف کرد. از نظر سیاست‌گذاری خارجی، رئیسی در حال پذیرفتن «چرخش ایران به سمت آسیا» هم از نظر ژئوپلیتیک و هم از نظر ژئواکونومیکی است. از نظر ژئوپلیتیکی، جنبه انقلابی این محور به معنای حمایت از محور مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل و بیرون راندن نیروهای آمریکایی از منطقه است. عمل‌گرایی آن شامل ترویج راه حل‌های منطقه‌ای برای مشکلات منطقه‌ای، تنش زدایی با رقبای سنتی (مانند امارات، سعودی‌ها، طالبان) و نزدیکی استراتژیک بیشتر به بازیگران آسیایی مانند چین محسوب می‌شود. از نظر ژئواکونومیکی، بُعد انقلابی این محور اقتصاد مقاومتی است، که سیاستی واکنشی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا می‌باشد. بُعد چندجانبه‌گرایانه-عمل‌گرایانه، استراتژی اتصال ایران است، فرآیندی فعال برای تبدیل ایران به چهارراهی بین ابتکارات مختلف ژئواکونومیک آسیایی، مانند «ابتکار

کمر بند و جاده» چین و کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب قلمداد می‌گردد. (Forough, 2021)

پاندمی کووید ۱۹ و «دیپلماسی سلامت جهانی»

دیپلماسی سلامت حوزه جدیدی از مطالعات در حال رشد «نوبن دیپلماسی»ها می‌باشد که در تلاش است رویکرد به سلامت را به یک زمینه جهانی فراگیر تبدیل نماید. رویکردهای متفاوتی برای تعریف دیپلماسی سلامت در ادبیات پژوهشی روابط بین‌الملل وجود دارد. با این حال، رویکرد کلی و عمومی به این موضوع، روش‌ها و راه‌هایی را برای تعمیق بیشتر پیوند بین سلامت جهانی و برنامه‌های سیاست خارجی مورد بحث قرار می‌دهد. این تعاریف بر «زمینه‌ای که توسط جهانی شدن، بازیگران مختلف فراتر از دولت-ملت‌ها، مذاکرات بهداشتی، تاثیر سلامت مذاکرات غیر بهداشتی و مهمتر از همه هدف‌های هنجاری استفاده از سیاست خارجی برای حمایت از سلامت جهانی» هدایت می‌شود، متمرکز است. در مورد واژه دیپلماسی بهداشت جهانی^۱، تعریف خاصی وجود ندارد که همه دامنه آن را در برگیرد. یکی از تعاریف موجود دیپلماسی سلامت جهانی به «هم سیستم‌سازی و هم به فرآیندهای ارتباطی و مذاکره‌ای که محیط سیاست جهانی در حوزه سلامت و عوامل تعیین‌کننده آن را شکل می‌دهند» اشاره دارد. تعریف دیگری از آن به عنوان «فعالیت‌های دیپلماتیک بین‌المللی که (مستقیم یا غیرمستقیم) به موضوعات مهم بهداشت جهانی می‌پردازد و به چگونگی و چرایی مسائل بهداشت جهانی در زمینه سیاست خارجی می‌پردازد، اشاره می‌کند. (Michaud and Kates, 2013)

وزیر بهداشت دولت سیزدهم دربارهٔ بکارگیری دیپلماسی سلامت جهانی در این دولت و در راستای کنترل اپیدمی/پاندمی کووید ۱۹ اینگونه تشریح می‌کند:

شروع کار دولت با آمار بالای ابتلای بیماری کرونا همراه بود و اولین فرمان رهبری، کنترل بیماری کرونا بود، از ابتدای دولت با اقدام جهادی شخص رییس‌جمهور و معاون اول و مساعدت و همکاری همه ارگان‌های دولت و نظام، سیلی از واکسن به کشور وارد شد و اولویت رهبری به عنوان اولویت اول در نظر گرفته شد و همراهی مردم در امر اجرای واکسیناسیون باعث شد این

^۱ GHD

افتخار را کسب کنیم. فعال کردن دیپلماسی سلامت و ارتباط با وزرای بهداشت منطقه در این دولت اتفاق افتاد، در ارتباط با تورسم سلامت و اعزام اساتید و پزشکان منقاصی زیادی از کشور های منطقه داریم. (borna, 2022)

همکاری‌های بین‌المللی برای ایجاد و تقویت سیستم‌های سلامت یکپارچه و قوی و نیز ظرفیت‌سازی برای آمادگی در مقابل بحران‌ها، دسترسی عادلانه و همگانی به خدمات بهداشتی با کیفیت، حق عمومی تامین تولیدات پزشکی و انتقال تکنولوژی تولیدات سلامت و ... همگی در کنترل اپیدمی کروناویروس نقش به غایت مهمی را ایفاء کرده است. بدین جهت، دولت آیت‌الله رئیسی از طریق مکانیسم دیپلماسی سلامت جهانی برای کنترل کووید-۱۹ توانست جامعه ایرانی را از این بحران نجات دهد.

دیپلماسی عمومی: ابزار اعمال قدرت نرم

جهانی‌شدن و در پرتو آن، توسعه و پیشرفت سریع در فناوری ارتباطات و اطلاعات، گسترش استفاده از وسایل ارتباطی سریع و در پی آن دسترسی آسان به اطلاعات، شرایط بین‌المللی را دگرگون ساخته است. این دگرگونی ساختاری و ماهوی در نظام بین‌الملل دیپلماسی عمومی را تبدیل به ابزاری نموده است که دولت‌ها با توسل به آن بهتر می‌توانند به اهداف ملی خود در رابطه با دیگر کشورها و در صحنه بین‌الملل دست یابند. جهت‌دهی افکار عمومی، نقش رسانه‌های تصویری، شنیداری و نوشتاری با برد بین‌المللی، تاثیر مهاجرت‌ها، بین‌المللی‌شدن افکار و اندیشه‌ها، گسترش نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، تبادل فرهنگ‌ها، جابجایی و ارتباط آسان نخبگان، درگیرشدن جامعه مدنی در امور سیاسی - بین‌المللی، جهانی‌شدن فرهنگ‌ها، از جمله زمینه‌ها و حوزه‌هایی هستند که دیپلماسی عمومی می‌تواند با اتکا به آن و انسجام بخشیدن به سیاست‌های دولت‌ها بر افکار و اذهان مردم سایر کشورها اثر گذارد. در طی دهه‌های اخیر نقش افکار عمومی جهان در انتخاب و شکل‌دهی نظام‌های سیاسی و به تبع آن سیاست خارجی کشورها افزایش یافته است و به همین دلیل نیز شکل‌دهی روابط پایدار سیاسی و اقتصادی با کشورهای جهان بدون توجه به افکار عمومی آن‌ها و تلاش در پی جلب نظرشان ممکن نیست. به همین دلیل امروزه دیپلماسی عمومی به یکی از مهمترین ابزارهای پیش‌برنده منافع ملی کشورها در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل بدل شده است؛ در واقع دولت‌های توسعه طلب جهان

به واسطه دیپلماسی عمومی با افکار عمومی کشورها هدف ارتباط و تعامل برقرار کرده و از این طریق زمینه تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی خود با دولت آن‌ها را فراهم می‌آورند و از شکل‌گیری احساسات ضد خود که می‌تواند به روابط اقتصادی و سیاسی لطمه وارد کند پیشگیری می‌نمایند. به همین دلیل این نوع دیپلماسی نقش و تأثیر بسزایی در تقویت و تأمین «منافع ملی» کشورها در عرصه بین‌المللی دارد.

دیپلماسی عمومی در واقع جریانی است که حکومت‌ها از طریق آن می‌توانند جامعه مدنی کشور را مدیریت کنند. در فرایند دیپلماسی عمومی علاوه بر اولویت‌بخشی به مردم، مهم‌ترین پارادایم این مقوله قدرت نرم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است که از طریق آن می‌توانیم با اشاعه و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای برنامه‌ریزی شده اقدام به پیشبرد سیاست‌هایمان کنیم. دیپلماسی عمومی می‌تواند یکی از ابزارهای سیاست خارجی باشد که با تأثیرپذیری از مؤلفه‌هایی مثل هویت ملی و هویت فرهنگی نسبت به جامعه وارد عمل می‌شود. نقطه ضعف و قوت این دولت در حوزه دیپلماسی عمومی همزمان به مذاکرات برجام برمی‌گردد. به این معنی که نقطه ضعف این دولت به نتیجه نرساندن مذاکرات احیای برجام است که میلیاردها دلار به اقتصاد کشور ضرر زده است، یعنی هر روز به نتیجه نرسیدن مذاکره مساوی با از دست رفتن درآمدهای نفتی است. نقطه قوت دولت در حوزه سیاست خارجی این است که در آستانه توافق احیای برجام قرار دارد که تحقق آن یک دستاورد بزرگ برای دولت خواهد بود. یکی دیگر از نقاط قوت دولت را باید در توسعه همکاری با همسایگان مورد توجه قرار داد. در حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و روابط با جمهوری آذربایجان، ترکیه و عراق نسبت به دولت قبل وضعیت روابط بهتر شده است، اگر چه زمینه‌های این بهبود روابط در دولت قبل ایجاد شده بود، اما قاطعیت دولت رئیسی در پیشبرد این حوزه مشهود بوده است. یک اقدام دیگر که در دولت‌های پیشین نیز بر انجام آن تأکید شده بود، تلاش ایران برای پیوستن به گروه بریکس است. پیوستن به گروهی که ۲۴ درصد از گردش مالی دنیا را دارد می‌تواند کمک اساسی به کشور بکند و امیدوار هستم ایران بتواند در سال آینده موفق به عضویت در این گروه شود. در دولت سیزدهم ضعف دیپلماسی عمومی بیشتر به چشم می‌خورد، در واقع در حوزه ارتباط با نخبگان، رسانه‌ها، افکار عمومی کشورهای دیگر و تبیین مسائل سیاست خارجی از جمله برجام که برای مردم بسیار مورد توجه است، ضعف‌های جدی دیده می‌شود. (Qudsonline, 2022)

بازتکوین شرق/ آسیاگرایی

یکی از موضوعات مهمی که درباره سیاست خارجی ایران بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم مطرح گردیده است، اتخاذ سیاست و یا راهبرد «نگاه به شرق» و گسترش روابط ایران با کشورهای آسیایی می‌باشد. به واقع و با توجه به عدم دستیابی به اهداف مورد نظر در مناسبات با کشورهای غربی در راستای استمرار تخاصم میان ایران و آمریکا، به خصوص در مقوله خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام، موجب گردید تا دیگر بار به بسط روابط ایران با شرق توسط دولت رئیسی تاکید و به آن توجه شود.

درباره اینکه دولت سیزدهم در استراتژی بسط و گسترش روابط خود با کشورهای شرقی نظیر روسیه، چین، هند، ژاپن و غیره چه اهدافی را دنبال می‌کرد ایده‌های گونه‌گونی وجود دارد. در حوزه اهداف غیر استراتژیک منافع اقتصادی، تجاری و تکنولوژیکی برای ایران مزیت محسوب می‌شود؛ اما در حوزه مسائل استراتژیک هدفی دوگان توسط دولت آیت‌الله رئیسی دنبال می‌شود: ۱. ائتلاف سازی در جهت تقابل با نظام تک قطبی و با ساختار ناعادلانه ۲. تلاش برای یافتن متحدی راهبردی جهت حل معضلات امنیتی/هسته‌ای خویش.

در همین راستا مقامات ایران اعتقاد دارند که تکوین محوری ضد آمریکایی که قدرت‌های هسته‌ای چین، روسیه و هند را شامل می‌شود، از این توانایی برخوردار خواهد بود تا یک قطب و قدرت بازدارنده در آسیا را در مقابل سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده قرار دهد و به خصوص در مواجهه با حمله پیش‌دستانه آمریکا و متحدان استراتژیک آن به ایران سازوکاری ائتلافی ایجاد کرده باشد. بنابراین انتظار می‌رود دولت رئیسی به دنبال افزایش تصاعدی بهبود روابط ایران با اوراسیا به طور کلی و چین و روسیه به طور خاص باشد.

دولت‌های لیبرال‌گرا، اصلاح‌طلب و میانه‌رو در ایران در گذشته راهبرد نگاه به غرب را دنبال می‌کردند. اما دولت رئیسی به دنبال ایجاد تعادل در روابط خارجی ایران است. از دولت سیزدهم انتظار می‌رود که سیاست جدید ایران برای «نگاه به آسیا/شرق» را با عزم قوی‌تری دنبال کند و در عین حال به دنبال حفظ روابط و مدیریت تنش‌ها با غرب نیز باشد. بنابراین، گسترش روابط تجاری با همسایگان بلافصل ایران و تقویت روابط با کشورهای آسیایی، به‌ویژه چین، در استراتژی تجارت خارجی این دولت قرار دارد. (Dareini, 2021)

چرخش ایران به سوی آسیا منحصراً به دشواره ژئوپلیتیک محدود نمی‌شود، بلکه از نظر ژئواکونومیکی نیز در حال رخداد است. تحلیل‌های روابط خارجی ایران در دورهٔ رئیسی معمولاً در تمرکز بر ژئوپلیتیک انباشت شده است. راهبردهای معطوف به ژئواکونومیک به همان اندازه ژئوپلیتیک مهم است، اما اغلب نادیده گرفته می‌شود، زیرا فرآیندهای مرتبط با حرکت آهسته و طولانی مدت و گاهی اوقات چندین دهه را شامل می‌شوند. اولویت‌های ژئواکونومیکی ایران در دولت سیزدهم با دو فرآیند تعریف می‌شوند: یکی واکنشی، دیگری فعالانه. در قسمت واکنش، رئیسی قصد دارد مدل اقتصاد مقاومتی را برای دور زدن تحریم‌های یکجانبه آمریکا تقویت کند. در فرآیند فعال، ما شاهد توسعه بیشتر «استراتژی اتصال ایران»^۱ هستیم که قصد دارد قلمرو جغرافیایی کشور را تا حد امکان به ابتکارات و کریدورهای مختلف ژئواکونومیکی مرتبط به آسیا متصل کند. دولت رئیسی هم در ژئواکونومیک واکنشی و هم از نظر ژئواکونومیک فعال، و در حال چرخش چندوجهی و ذوابعاد به سمت آسیا است. (Forougi, 2021)

محور مقاومت در هندسهٔ سیاست منطقه‌ای/بین‌المللی دولت رئیسی

گفتمان محور مقاومت اسلامی که بازتولید فرهنگ مقاومت ملت ایران در برابر استبداد داخلی و استکبار جهانی است با ابداع شیوه نوینی از مقاومت، منافع غرب و صهیونیسم جهانی را در منطقه خاورمیانه مورد تهدید قرار داده و با ایجاد چالش در توازن قوای منطقه ای عملاً به مکانیزم قدرتمندی جهت مقابله با سیاست های استکباری در منطقه تبدیل شده است. تحلیل جایگاه محور مقاومت اسلامی در سیاست خارجی دولت آیت‌الله رئیسی موضوع این قسمت از پژوهش محسوب می‌شود. بررسی ظرفیت‌های این محور در تحقق انترناسیونالیسم اسلامی، ارائه تحلیلی دقیق از ژئوپلیتیک شیعه و بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در هدایت محور مقاومت اسلامی موضوعاتی است که می‌تواند ره‌نشان نظری و تئوریک برای ساماندهی سیاست خارجی ایجاد نماید. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه باتوجه به قابلیت‌هایی که در تحلیل مفاهیم سیاسی، برخوردار است به عنوان چارچوب نظری و ابزار تحلیل داده‌های مقاله انتخاب شده است. بر این اساس گفتمان محور مقاومت اسلامی از قابلیت‌های لازم جهت هم‌زمن شدن در جهان

اسلام برخوردار است و انتظار می‌رود با توسعه مبانی فکری و بسط حوزه جغرافیایی در دولت کنونی، زمینه تشکیل امت واحده اسلامی و انترناسیونالیسم اسلامی را بر مبنای اصول اسلام اصیل انقلابی فراهم نماید.

یکی دیگر از رویکردهای دولت سیزدهم در حوزه سیاست خارجی حمایت از مقاومت با صدای بلند است. این موضوع در مساله سوخت رسانی به لبنان بر همگان نمایان شد. در همین حال وزیر امور خارجه کشورمان در سفر به لبنان تاکید کرد ما به حمایت هایمان از استقلال، امنیت و حاکمیت لبنان ادامه خواهیم داد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: لبنان را تنها نمی‌گذاریم، جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسئله رژیم صهیونیستی با قدرت در کنار متحدانش در منطقه باقی خواهد ماند. وزیر امور خارجه کشورمان افزود: این سفر نشانی از روابط دوستانه و عمیق دو کشور است و ما از ارتش، مردم و مقاومت لبنان با صدای بلند حمایت می‌کنیم. همچنین وزیر امور خارجه در واکنش به ابراز احساسات لبنانی با انتشار فراگیر هشتک‌های #خوش_آمید و #شکرا_ایران در فضای مجازی این کشور به خاطر کمک‌های ایران در شکسته شدن حصار اقتصادی آمریکا علیه این کشور نیز گفت: پیشنهادهای بهتر و جدیدتری را برای کمک به شکست حصار اقتصادی لبنان داریم ضمن اینکه مسیر قبلی را مادامی که مسئولین لبنانی بخواهند ادامه خواهیم و در موضوعات دیگر نیز به لبنانی‌ها کمک خواهیم کرد. این در حالی است که فروش سوخت ایرانی به تجار لبنانی حصار اقتصادی آمریکا علیه، ایران، سوریه و لبنان را شکست و فصل جدیدی در حضور مقاومت در عرصه اقتصادی است. (iribnews, 2021)

سیاست خارجی چندهمسایگی و راهبرد عبور از مخمصه ژئوپلیتیکی

ایران، کشوری است پرهمسایه؛ با همسایگانی گونه‌گون و ناهمانند. گونه‌گونی همسایگی دربرگیرنده گوناگونی ویژگی‌های جغرافیایی، منزلت‌های استراتژیک، وابستگی‌های سیاسی، دغدغه‌های امنیتی، و خصلت‌های ژئواکونومیک است؛ و، ناهمانندی همسایگی، دربرگیرنده خصلت‌های فرهنگی و تاریخی و تمدنی بسیار ناهمانند است که همسایگان پانزده‌گانه ایران را، به حوزه‌های بسیارناهمگون، تبدیل کرده است. درپیش گرفتن یک سیاست خارجی چندگانه‌گرا و برگشتن از یک سیاست خارجی تک‌چهره، پیش‌انگاشته این قسمت از نوشتار پیش‌رو است. هدف بنیادین، افزون بر توصیف وضعیت سیاست خارجی ایران، تجویز تغییر در ماهیت و عملکرد

سیاست خارجی مبتنی بر سیاست همسایگی می‌باشد. (Khalili, 2018)

یکی از مهمترین اولویت‌های سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم ارتقای روابط با دوستان و همسایگان است موضوعی که از همان روز تحلیف «سید ابراهیم رئیسی» خطوط آن ترسیم شد و رئیس جمهوری در این مراسم تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران، کشورها و ملت‌های همسایه را خوشاوند خود می‌داند و مهم‌ترین و اصلی‌ترین اولویت سیاست خارجی خود را ارتقا روابط با کشورهای همسایه خود دانسته و خواهان عزت و اعتلای آن‌ها است. از آن زمان دیپلمات‌های کشورمان تمام تلاش خود را برای ترمیم مناسبات با دولت‌های همجوار را مضاعف ساختند. در همین حال وزیر امور خارجه کشورمان در سفر به لبنان، تقویت دوستان جمهوری اسلامی ایران را یکی از محورهای اصلی سیاست‌های دولت جدید ایران خواند و تاکید کرد جمهوری اسلامی ایران آماده فراهم آوردن زمینه گسترش همکاری‌های دو کشور و تشویق فعالان اقتصادی ایران برای حضور در لبنان است. امیرعبداللهیان تاکید کرد وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد با اجرای پروژه‌های مختلف در لبنان مشکل کمبود برق این کشور را برطرف نماید. همچنین شرکت‌های فنی و مهندسی ایران توانایی ارائه خدمات به بازار لبنان با کیفیتی در سطح بالای جهانی و با قیمت پایین‌تر را دارند. (iribnews, 2021)

شاید بزرگ‌ترین دلیل برای اولویت همسایگی در سیاست خارجی دولت آیت‌الله رئیسی، تعداد زیاد کشورهای همسایه (۱۵ کشور) ایران و نیازهای متقابل این کشورها به همدیگر باشد. قابل ذکر است که سطح توسعه اقتصادی عمده کشورهای همسایه ایران، چندان بالا نیست. براین اساس، ایران به راحتی می‌تواند با توسعه روابط با کشورهای همسایه، گام‌های مهمی برای تقویت اقتصاد خود بردارد. از این نظر، همسایگی، الزام مهمی برای «اقتصاد محور کردن» سیاست خارجی در این دولت می‌باشد. پرواضح است که چندین سال متمادی است که کشور عراق، چین، ترکیه و امارات، ۴ شریک اول تجاری ایران هستند که همگی کشورهای شرقی و همسایه‌اند. این درحالی است که اتحادیه اروپا بیست و ششمین شریک تجاری ایران است؛ بنابراین یک مزیت راهبردی برای اقتصاد ایران، کشورهای همسایه هستند و "چندهمسایگی" در سیاست خارجی باید بتواند این مهم را تقویت کند. علاوه بر مزیت‌هایی که ارتباط با همسایگان از لحاظ اقتصادی و سیاسی برای ایران و طرف‌های همسایه دارد، توسعه روابط با همسایگان می‌تواند گامی برای شکل‌دهی به «سیستم امنیت مشارکتی» باشد که سال‌هاست از سوی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. در

این سیستم، بر تأمین امنیت منطقه با مشارکت تمام کشورهای منطقه و بدون حضور نیروهای خارجی تأکید شده است. اولویت‌بخشی به همسایگان در سیاست خارجی دولت کنونی ایران، خشی‌کننده بخش مهمی از تبلیغات ایران‌هراسانه قدرت‌های غربی است؛ زیرا این قدرت‌ها همواره با تهدیدنمایی از ایران برای کشورهای همسایه، مانع توسعه روابط کشورهای همسایه با ایران بودند؛ بنابراین با توسعه مناسبات با کشورهای همسایه، ضمن زدوده شدن تصویر امنیتی ایجاد شده از جمهوری اسلامی ایران، تصویری مبتنی بر واقعیت‌ها که مشحون از عقلانیت، تدبیر، پرهیز از تجاوزگری و تهدید همسایگان و سایر کشورها، رعایت سیاست همسایگی خوب، مقابله با تروریسم و ناامنی در منطقه و... است از جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه شکل می‌گیرد که به‌طور طبیعی، این امر می‌تواند توسعه بیش از پیش مناسبات با کشورهای منطقه را در پی داشته باشد. سیاست خارجی چندهمسایگی مبتنی بر واقع‌بینی و آینده‌نگری است؛ زیرا هم‌اکنون که نظام بین‌الملل در حال گذار از حالت تک‌قطبی به حالت چندقطبی است، یکی از پیش‌بینی‌های احتمالی درباره آینده این نظام، شکل‌گیری «جهان‌های منطقه‌ای» است که براساس آن، دیگر قدرت هژمونی مانند سابق وجود ندارد، اما قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند با توسعه روابط با کشورهای منطقه‌ای و همسایه خود، ترتیبات مدنظر خود را در آن منطقه ایجاد کنند. هرچند جمهوری اسلامی ایران در صدد سلطه بر هیچ کشور همسایه‌ای نیست، اما اصل نکته در این واقعیت نهفته است که به‌احتمال زیاد، آینده نظام بین‌الملل به سمت منطقه‌گرایی و اولویت همسایگی پیش خواهد رفت؛ بنابراین، با توسعه روابط با همسایگان، جمهوری اسلامی، در واقع پیشگام روندی است که دیر یا زود در سراسر جهان همگانی خواهد شد. (Ghorbani, 2022) در فرجام می‌توان تأکید کرد که رویکرد متوازن و سیاست همسایگی به عنوان دو بال قدرتمند سیاست خارجی می‌تواند با اعتمادآفرینی، گره‌ها و معادلات منطقه‌ای را گشوده و پنجره همکاری را در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی بر روی ایران و منطقه بگشاید.

در جستجوی چندجانبه‌گرایی

در سیاست خارجی زمانی که از چندجانبه‌گرایی گفتمانی صحبت به میان می‌آید منظور نوعی رهیافت و ایستار است که بیش از آنکه در کنش‌ها و رفتارها نمود پیدا کند در ذهن و فکر تجلی می‌یابد. این رهیافت که همزیستی و هم‌افزایی ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را فراهم و

ممکن می‌کند، خود متضمن و مستلزم تکثرگرایی می‌باشد. در این منظر، برخلاف ملت‌ها که موجودیت‌هایی فرهنگی تلقی می‌شوند که ماهیت آن‌ها سرزمینی می‌باشد، تمدن‌ها نظامی از مفاهیم و معانی بین‌الذهانی هستند که الزاماً دارای ماهیت و هویتی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نیستند. جمهوری اسلامی ایران برای اتخاذ راهبرد چندجانبه‌گرایی گفتمانی باید حضوری فعال و همه‌جانبه در سازمان‌ها، مجامع، نهادها، رژیم‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی داشته باشد (طباطبایی و توپچی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

رهیافتی که فرصت‌های مناسبی را برای تقویت همگرایی بازیگران منطقه‌ای در زمینه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... جهت مستحکم کردن صلح و امنیت فراهم می‌کند. سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور با درک این مهم، رویکرد خود را در بازیابی روابط ضعیف شده ایران با کشورهای منطقه غرب و شرق آسیا به جریان انداخت تا افزایش مراودات تجاری و همکاری اقتصادی و همچنین حضور فعال در سازمان‌های مهم و مؤثر همکاری به توازن سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم بینجامد. در همین چهارچوب نقش‌آفرینی دولت در یک سال گذشته در حوزه منطقه به‌عنوان حوزه‌ای که دارای اهمیت ویژه از منظر سیاسی و اقتصادی به شمار می‌آید و در عین حال با پیچیدگی‌های متعددی روبه‌رو است، به صورت فعالی به جریان افتاده است. این در حالی است که دولت قبل در سال‌های گذشته با نادیده گرفتن ظرفیت‌های موجود اقتصادی در کشورهای منطقه، خودخواسته از مزیت‌های بالقوه همکاری با این کشورها بویژه در قالب نهادهای منطقه‌ای محروم مانده است. ۱۵ کشور همسایه آبی و خاکی ایران شامل امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان که هر یک در ائتلاف‌ها و سازمان‌های متعدد منطقه‌ای قرار دارند، با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶ تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند؛ درحالی که صادرات ایران به این ۱۵ کشور همسایه در سال‌های گذشته تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را شامل شده است. دولت رئیسی با در نظر گرفتن چنین پیشینه‌ای، احیای دیپلماسی اقتصادی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای منطقه‌ای را جهت بالفعل کردن ظرفیت‌های داخلی در دستور کار قرار داد تا با چندجانبه‌گرایی در روابط خارجی، همزمان با مذاکره برای لغو تحریم‌ها به راهبرد اصلی خود یعنی بی‌اثر کردن تحریم‌ها تحقق ببخشد. این در حالی است که برتری و مزیت‌های نسبی ایران همچون موقعیت ژئوپلیتیک و

ژئواستراتژیک، زیرساخت حمل و نقل و بازار پررونق اقتصادی نسبت به دیگر کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای را در روند به اجرا درآوردن رویکرد مشارکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای به وجود آورده است. این چنین بود که رسمی شدن عضویت در سازمان همکاری‌های «شانگهای»، تحرک بخشیدن به نقش کشور در سازمان منطقه‌ای «اگو» و چراغ سبز به ایران برای پیوستن به گروه بین‌المللی «بریکس پلاس» در کنار رشد صادرات غیرنفتی، امضای تفاهمنامه‌های رنگارنگ اقتصادی با بازیگران بزرگ و کوچک آسیایی از چین و روسیه گرفته تا کشورهایی همچون تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و... در گذر تنها یک سال از عمر دولت سیزدهم نشان داد که مدار سیاست خارجی چگونه از رویکرد انحصاری نگاه به غرب خارج شده و در صحنه عمل به «توازن» رسیده است تا به صورت حداکثری منافع ملی را تأمین کند. (ion, 2022)

دیپلماسی اقتصادی به مثابه پیشرفت

فهم چندسطحی از سیاست خارجی کشورها، و واقعیات عقبه جهان‌بینی آن، دو مقوله مهم و اساسی است که در فضای تعاملات بین‌المللی نقطه اتکای مهم و اساسی برای درک موضوع دیپلماسی و بویژه دیپلماسی اقتصادی است. پرواضح است، جهان کنونی مؤلفه‌هایی یافته است که مخصوص به این دوره تاریخی است. این مؤلفه‌ها یا همان واقعیات مقید به زمان، بخشی از لایه جهان‌بینانه سیاست خارجی و به دنبال آن بسترهای شکل‌گیری دیپلماسی در عصر حاضر است. تصور حضور در میان باشگاه قدرت‌های نوظهور، متوقف به طراحی و پیاده‌سازی گونه‌ای کارآمد، پویا و مؤثر از دیپلماسی اقتصادی است. از سوی دیگر، شناخت تجربه قدرت‌های نوظهور در حوزه دیپلماسی اقتصادی به‌مثابه فهم صحیح از کیفیت روابط دوجانبه هر کشور با قدرت‌های پیش‌روی نظم جهانی است. بروز و ظهور قدرت‌های نوظهور و رفتارهای برخی کشورهای جهان نظیر چین، ترکیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و ... حاکی از داعیه پی‌ریزی نظم جایگزین جهانی است. جمع میان تجربه‌های این کشورها، پس از فهم سازگار با اقتضانات تاریخی دیپلماسی اقتصادی، مهم‌ترین گام از دانش سیاست‌گذاری این امر است که بایستی در اختیار متصدیان امر و اندیشه‌ورزان قرار گیرد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم شاهدیم که ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی کشور در وزارت امور خارجه در حوزه معاونت دیپلماسی اقتصادی در حال گسترش است و این معاونت بیشتر تمرکز

خود را بر سیاست همسایگی و فعال کردن ظرفیت‌های ژئواکونومیک منطقه‌ای گسترش داده است. افزوده شدن مفهوم دیپلماسی اقتصادی به اولویت‌های سیاست خارجی وعده آیت‌الله «سید ابراهیم رئیسی» در دوران رقابت‌های انتخاباتی بود. «حسین امیر عبداللهیان» وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، در راستای عمل به این وعده در یک سال گذشته پرتلاش ظاهر شده است. دولت با دو استراتژی مشخص این وعده را به مرحله اجرا آورده است و گرچه برای لمس مشخص این اقدامات در زندگی مردم، زمان نیاز است اما مجموع این تلاش‌ها در چند حوزه مشخص قابل رصد است. عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای مهم‌ترین دستاورد نخستین سفر آیت‌الله رئیسی به تاجیکستان بود. سازمانی که با حضور چین، روسیه، هند، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ایران به‌عنوان اعضای اصلی و مغولستان، افغانستان، بلاروس به‌عنوان اعضای فرعی، ۲۳ درصد جغرافیای زمین، ۴۵ درصد جمعیت این کره و ۲۵ درصد تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۹ اندازه اقتصاد ۱۲ عضو سازمان همکاری شانگهای، ۲۰/۱ تریلیون دلار بود. این رقم معادل ۲۲/۹ درصد از اقتصاد جهانی است. در این بین، چین با ۶/۷۰ درصد از اندازه اقتصاد این سازمان، جایگاه کاملاً مسلط در سازمان را دارد. عضویت ایران در این سازمان بین‌المللی پس از ۱۷ سال، فرصت ارزشمندی برای بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم است و شواهد حکایت از آن دارد که دولت سیزدهم در منظومه دیپلماسی اقتصادی خود، بر این ظرفیت تأکید ویژه دارد. عضویت ایران در این سازمان، درهای بازارهای آسیای میانه را به روی کالاهای صادراتی ایران خواهد گشود. پروژه‌های حمل‌ونقل، همکاری بانکی، گمرکی و کشاورزی از مهم‌ترین محورهای همکاری جمهوری اسلامی با این نهاد بین‌المللی است و بر اساس پیش‌بینی تحلیلگران اقتصادی با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای انتظار می‌رود که مجموع درآمد کشور در حدود ۳۷۰ میلیون دلار افزایش یابد. سازمان همکاری‌های اقتصادی؛ اکو هم دیگر سازمانی بود که دولت در راستای برنامه دیپلماسی اقتصادی، پس از سفر آیت‌الله رئیسی به تاجیکستان و حضور در اجلاس پانزدهم این نهاد، ارتقا همکاری را با آن در دستور کار قرار داده است. جمعیت نیم میلیاردی، مالکیت یک‌سوم منابع انرژی جهان، موقعیت بی‌نظیر ارتباطی میان اروپا با چین و روسیه با خلیج فارس و اقیانوس هند، نیروی انسانی جوان و پرتوان و هویت مشترک دینی و فرهنگی، این سازمان را به سازمانی ارزشمند تبدیل کرده است. واقعیت آن است که سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)، با توجه به ظرفیت و توانمندی‌های

کشورهایی که عضو آن هستند، می‌تواند در مسیر توسعه کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان، حائز اهمیت ویژه باشد. این کشورها ضمن دارا بودن عمده منابع گازی در جهان، دارای بازار بزرگی هستند که اغلب نیازهای خود را از کشورهای فرامنطقه‌ای و با هزینه‌ای اغلب چندین برابر معمول وارد می‌کنند. بُعد دیگر دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم، تثبیت شراکت راهبردی با قدرت‌های چین و روسیه است. پیگیری اجرای سند همکاری راهبردی ۲۵ ساله با چین، از مهم‌ترین اقدامات دولت سیزدهم در آغاز دوره مسئولیت بود که با سفر «حسین امیر عبداللہیان» وزیر امور خارجه به پکن آغاز شد. جزئیات این قرارداد استراتژیک مانند تمام اسناد و قراردادهای راهبردی در جهان، اعلام عمومی نشده اما بر اساس کلیات منتشر شده از آن در گفت‌وگوهای مقامات و گمانه‌زنی‌های سیاسی، نیاز دوجانبه تهران و پکن به یکدیگر، بنیان این قرارداد است. جمهوری اسلامی در هیاهوی فشارها و تحریم‌های غیرقانونی نیازمند تجارتي مطمئن است و چین نیز به منابع نفت و انرژی ایران نیاز ویژه دارد. کمربند ترانزیتی موردنظر چین از شاهراه ایران می‌گذرد و این موضوع غیرقابل انکاری در برنامه‌های راهبردی پکن است. در همین راستا نخستین قطار باری بین‌المللی «عبور از دریای خزر» از «بین چوان» در شمال غرب چین به سمت بندر انزلی حرکت کرد که با تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل در مسیر، ارتقای تجارت میان ۲ کشور و حتی کشورهای ثالث قابل پیش‌بینی خواهد بود. روابط استراتژیک جمهوری اسلامی با روسیه هم در راستای شراکت‌های راهبردی قابل ارزیابی است. روابطی که با سفر دی‌ماه آیت‌الله رئیسی به مسکو تحکیم شد. در این سفر با شرکت‌های نفت و گاز روسیه در زمینه ساخت پالایشگاه و انتقال فناوری و تجهیزات مرتبط با حوزه انرژی قراردادهایی امضا شد، در این حوزه همکاری دو کشور دیرینه و دارای منافع دوطرفه است. کریدور تجاری شمال - جنوب در راستای طرح «یک کمربند و یک جاده» با عبور از قفقاز و رسیدن به خلیج فارس و آب‌های آزاد، برای روسیه دستیابی به آب‌های گرم را حاصل می‌کند و برای ایران رونق تجارت. تجربه موفق امنیتی تهران و مسکو در سوریه و در مبارزه با تروریسم می‌تواند در حوزه امنیت منطقه تکرار شود. تجربه مشترک تحریم‌های غرب علیه دو کشور هم دیگر موضوع مشترک میان روسیه و ایران است که می‌تواند با تقویت همکاری عبور از این تحریم‌ها و ایستادن در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را تسهیل کند. تقویت سازمان‌های منطقه‌ای و همکاری‌های چندجانبه در حوزه‌های کشاورزی، تکنولوژی، محیط‌زیست و گردشگری

می‌تواند روسیه را به شریکی راهبردی برای ایران تبدیل کند، شریکی که باتوجه‌به قابلیت‌های اقتصادی، توان ارتقای مبادلات تجاری سالانه از ۷۰۰ میلیون دلار به ۱۰ میلیارد دلار قابل برنامه‌ریزی است. اولویت یافتن مفهوم دیپلماسی اقتصادی در دکترین سیاست خارجی، فرایندی زمان‌بر است که این ویژگی سبب شده است که نتایج اولویت یافتن این مهم در زندگی مردم به‌اندازه نیاز ملموس و محسوس نشود اما گام نخست اجرای آن با تغییر در نگاه و نگرش‌ها آغاز شده است. باین‌همه می‌توان دو حوزه مشخص واردات واکسن و صادرات نفت را در دولت سیزدهم از نتایج ملموس آن در زندگی مردم دانست. واقعیت آن است که دولت با تاکید و تکیه بر سامان‌بخشی مبادلات تجاری با جهان در سایه دیپلماسی توانست بدون نیاز به ابهاماتی چون FATF و اینستکس و ... واکسن موردنیاز به کشور را وارد کند، صادرات نفت را افزایش داده و درآمد حاصل از آن را به کشور بازگرداند و در عین حال حجم مبادلات تجاری خود با جهان به‌ویژه کشورهای منطقه را در همین زمان کم افزایش قابل‌توجهی دهد. (Irna, 2022)

تنظیم روابط با غرب: عزت، حکمت و مصلحت

«غرب» و به صورت کلی «تجدد» در ادبیات سیاست خارجی دوران آیت‌الله رئیسی به عنوان «دگر» هویتی قلمداد می‌شود. به این معنا که با همان نگاه ثنویت‌پنداری و دوگانه‌بینی در قالب خیر و شر، غرب به صورت یکپارچه تجلی و نمود جبهه شر تلقی می‌شود. در ابتدا اسلام‌گرایی و سپس ایران‌گرایی دو محور تأثیرگذار هویت ملی در تکوین سیاست خارجی دولت مشهور به «دولت مردمی ایران قوی» بوده است.

آیت‌الله رئیسی نقد غرب را به صورت بسیط و گسترده دنبال می‌کند؛ به این معنا که در تمامی ساحت‌ها آن را واجد ظلم و ستم می‌داند که دولت‌ملت‌های دیگر جهان را به ستوه آورده است. در بعد اقتصادی دنیای کنونی را به دو بخش شمال و جنوب تقسیم نموده طوری که کشورهای شمال-غرب- با استیلا و سلطه بر شریان‌های حیاتی اقتصادی خواستار حفظ وضع موجود می‌باشند. در وادی و عرصه سیاسی، «غرب» به هر طریقی سعی دارد هژمونی خود را بر سایر کشورهای دنیا اعمال نماید و این امر مهم را با دخالت سیاسی و نظامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پی‌جویی می‌کند. رویکرد ستیزجویانه به سامان‌غرب‌گرایانه نظام بین‌الملل یکی از مهمترین محورهای سیاست خارجی دولت سیزدهم محسوب می‌شود.

دولت آیت‌الله رئیسی با استقرار و سپس اتخاذ رویکرد غرب‌ستیزانه و تلاش برای تشکیل جبهه ضد امپریالیستی به نوعی در تلاش بود تا در نگاه اُبژه‌گرای غرب به مابقی کشورها تزلزل ایجاد کند. صرف نظر از اینکه این نوع سیاست خارجی به نتیجه منجر شود یا خیر، گفتمان تخاصم با این رویکرد ناعادلانه و محقرانه در سطح جهان قوام و تجلی پیدا کرده است.

جایگاه «آفریقا» در سیاست خارجی دولت سیزدهم

سیاست خارجی دولت سیزدهم با تمرکز بر ایجاد روابط متوازن در عرصه بین‌المللی تدوین شده است. در این نگاه، آفریقا جایگاه خاصی دارد. دیدارها و اظهارات رئیس‌جمهور ایران با مقامات آفریقایی در واقع تلاشی برای از سرگیری روابط با این قاره پس از غفلت هشت ساله دولت قبل از این قاره کهن است. این قاره علاوه بر اینکه منابع طبیعی سرشاری دارد و از لحاظ اقتصادی می‌تواند شریک مناسبی برای ایران باشد، از لحاظ سیاسی هم قادر است نقش حامی و پشتیبانی را برای ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. این مهم با توجه به اشتراکات میان دو طرف قابل برآورده شدن است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب با تاکید بر جهان سوم‌گرایی شکل گرفته و در این میان، آفریقا نیز نقش مهمی در سیاست‌های اعلامی داشته است اما در دوره احمدی‌نژاد بود که توجه به آفریقا در سیاست خارجی ایران عمیق‌تر شد. پس از دولت نهم و دهم، در دوره روحانی، آفریقا مورد غفلت قرار گرفت. روحانی در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های خود بارها از آفریقا به عنوان اولویت اصلی یاد کرد و تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را خواستار شد اما در عمل و برای اجرای این سیاست‌ها تلاش کمی انجام داد. روحانی تنش‌زدایی و نزدیکی با غرب را در اولویت قرار داد و آفریقا را نادیده گرفت که با امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۵ و کاهش جزئی تحریم‌ها در سال ۲۰۱۶ این بی‌توجهی به اوج خود رسید. در دوره ریاست جمهوری روحانی تجارت ایران با این قاره در سطح پایینی قرار داشت. هرچند روحانی هیچ سفر رسمی به آفریقا نداشت اما تا سال ۲۰۲۰، به بیش از ۵۵ کشور مختلف در اروپا، آسیا و آمریکا سفر کرد. محور این بازدیدها گسترش روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برجام و حفظ این روابط پس از خروج آمریکا از برجام بود. روحانی حتی پس از خروج آمریکا از برجام به طور خاص به شرق معطوف شد و همچنان از آفریقا و جنوب غافل بود. روحانی هرگز به آفریقا سفر نکرد و به ندرت مقامات این کشور را به ایران دعوت

کرد. در دوران ریاست جمهوری روحانی، تنها سه رئیس جمهور آفریقایی (غنا، آفریقای جنوبی و زیمبابوه) آن هم پس از امضای برجام و برداشته شدن بخشی از تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ایران سفر کردند. همچنین در زمان روحانی، ستاد آفریقا در وزارت امور خارجه ایران - که در دوره احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد و مسئول گسترش روابط اقتصادی با آفریقا بود - تقریباً از بین رفت. علاوه بر این، برخی از مشاوران تجاری ایرانی که در سفارتخانه‌های این قاره مستقر بودند و وظیفه افزایش تجارت ایران را بر عهده داشتند، به کشور فراخوانده شدند. در واکنش به این غفلت ایران از یک سو و همکاری نظامی و کمک‌های اقتصادی عربستان در طول جنگ یمن از سوی دیگر، متحدان دیرینه جمهوری اسلامی و شرکای تجاری اصلی آن در شاخ آفریقا و سایر نقاط این قاره، از جمله سودان، جیبوتی و سومالی در سال ۲۰۱۶ به روابط خود با ایران پایان دادند. آیت‌الله رئیسی اما، از آغاز ریاست جمهوری‌اش، افزایش همکاری با آفریقا را خواستار شده است و توانمندی‌های مادی و انسانی این قاره را می‌شناسد. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از آفریقا غفلت کرد و در دوران روحانی متحدان دیرینه و شرکای تجاری اصلی‌اش را در این قاره از دست داد، دولت جدید تمایل دارد روابط ایران و آفریقا را از سر بگیرد. نزدیکی دیپلماتیک دولت ایران به آفریقا تلاشی برای از سرگیری روابط با این قاره تفسیر می‌شود اما باید دید آیا رئیسی با تقویت روابط با این کشورها و سایر کشورها خود را در عمل از دولت قبل متمایز خواهد کرد یا خیر. رئیسی برخلاف روحانی که در تمام دوره هشت ساله ریاست جمهوری‌اش به آفریقا سفر نکرد، ممکن است آفریقا را بیشتر در اولویت قرار دهد. در یک نظام بین‌المللی که ظاهراً هیچ دوستی یا دشمنی دائمی ندارد، زمان همچنین نشان خواهد داد که آیا رئیسی می‌تواند روابط ایران را با متحدان دیرینه و شرکای تجاری برتر در قاره‌ای که به دلیل بی‌توجهی سلفش و همکاری و کمک عربستان قطع شده است، احیا کند یا خیر. فراتر از امضای توافق هسته‌ای جدید با گروه پنج بعلاوه یک و کاهش تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، دستیابی به این هدف سیاست خارجی مستلزم آن است که رئیسی به این متحدان و شرکا نشان دهد که می‌تواند منافع دیپلماتیک و تجاری ملموسی را به صورت گفتمانی و عملی به آنها برساند. در این وضعیت، آقای رئیسی حداقل می‌تواند دو درس از دولت‌های قبل بیاموزد. نخستین درس، رفتار کردن بگونه‌ای است که فضا جهت پیگیری روابط نزدیک تر با ایران برای این کشورها فراهم شود و این کشورها بتوانند این کار را بدون دور شدن از غرب و خطر از دست دادن کمک، سرمایه‌گذاری و تجارت غرب انجام دهند. درس دوم، اجرای

یادداشت تفاهم و دیگر توافقنامه‌های دوجانبه و بررسی کردن نیازها و محدودیت‌های مالی، اقتصادی و فناوری ایران است. برخی از کشورهای آفریقایی پس از امیدهای فراوان در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، از وعده‌های بی‌عمل و تعهدات محقق نشده ایران در زمینه همکاری در زمینه تجارت، بازرگانی، علم، انرژی، بهداشت و زیرساخت ناامید شدند و این ناامیدی با بی‌توجهی روحانی به این کشورها بدتر شد. بنابراین عمل به این تعهدات می‌تواند گام مهمی در بهبود روابط با کشورهای آفریقایی باشد. (Lob, 2022)

دیپلماسیِ احیاء برنامهٔ جامع اقدام مشترک

مصروف داشتن نگاه و توجه ویژه به موضوع احیای برجام یکی از نقاط قوت دستگاه سیاست خارجی دولت سیزدهم است. به ویژه با توجه به اینکه احیای برجام در ارتباط مستقیم با موضوع رفع تحریم‌ها و معیشت مردم است و سعی مذاکره‌کنندگان این بوده که با رعایت خطوط قرمز، بیشترین امتیاز را از طرف‌های مقابل کسب نمایند. همچنین در وضعیت کنونی مذاکره‌کنندگان در وین با انگیزهٔ امضای یک پیمان جدید قبل از غیرممکن شدن همکاری با روسیه به علت جنگ با اوکراین، با موضوعات بحث برانگیزی مانند لغو تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. مسئله حائز اهمیت برای دیپلماسی هسته‌ای ایران در شرایط کنونی این است که دولت آمریکا و اتحادیه اروپا تا چه میزان به وعده‌های خود مبنی بر انتفاع ایران از مزایای برجام، برداشته شدن محدودیت‌ها بر تجارت خارجی و پایبندی به اصول یک توافق پایدار در قالب برداشتن گام‌های عملی برای لغو تحریم‌ها به خصوص در حوزه‌های بانکی و نفتی به عنوان ضمانت توافق جامه عمل خواهند پوشانند.

یک سال اول دولت سیزدهم را از جهتی می‌توان سال ازسرگیری مذاکرات حق‌جویانه در ایران برای لغو تحریم‌های یکجانبه‌گرایانهٔ ایالات متحده دانست؛ مذاکراتی که پس از خروج آمریکا از برجام و کاهش تعهدات از سوی تهران متوقف شد و از آوریل ۲۰۲۱ از سرگرفته شد. نکته مهم اما رهیافت دیگرگون دولت آیت‌الله رئیسی به برجام و دیپلماسی هسته‌ای است. اینکه دولت سیزدهم باوجود تلاش مجدانه برای لغو تحریم‌های یکجانبه‌گرایانه از طریق دیپلماسی، همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد مذاکرات و مناسبات با غرب نگذاشته و مشکلات اقتصادی داخلی را به این گفت‌وگوها گره نزده است.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم بود. دولت رئیسی بیش از همه دولت‌های گذشته بر این مسئله حیاتی اعتقاد دارد که در تدوین و ساخت نظری و عملی سیاست خارجی اولویت اول و آخر، منافع ملی است و هرگونه مراوداتی با هر دولت-ملتی باید در ساحت این فاکتور و شاخص ترسیم و انجام شود. در معیت چنین نگرشی و فارغ از تخاصم‌های اشاره شده، دستگاه دیپلماسی کشور تلاش کرده است با دو ابرقدرت جهان، چین و روسیه به روابط و تعامل استراتژیک دست یابد. سند همکاری بلندمدت با چین و تفاهم‌نامه‌های امضا شده با روسیه در راستای این راهبرد می‌باشد، استراتژی که سبب شد، پکن فارغ از تهدیدات واشنگتن، واردات نفت از ایران را افزایش دهد یا روسیه بی‌توجه به هیاهوی غرب، در موضوعات مختلف کنار ایران بیاستد.

افزایش قابل توجه صادرات نفت خام و پایداری آن، افزایش حدود ۵۰ درصدی تجارت خارجی، تسهیل تجارت فرامرزی و حمایت مستمر از آن، افزایش تجارت با کشورهای همسایه، توجه به تسهیل فرایند کاری گمرکات، بهبود شرایط بازارچه‌های مرزی، افزایش همکاری‌های اقتصادی با سایر کشورها در اقصی نقاط دنیا و برگزاری بیش از ۱۵ کمیسیون مشترک اقتصادی از ابتدای دوره دولت سیزدهم تاکنون، رشد ۳۹ درصدی حجم ترانزیت و فعال‌سازی کریدورهای شمال به جنوب و غرب به شرق کشور را از جمله دستاوردهای دولت سیزدهم در حوزه دیپلماسی است.

نقطه قوت سیاست خارجی دولت سیزدهم در طول یک سال گذشته توسعه مراودات با کشورهای همسایه و پیرامونی و اتخاذ سیاست خارجی چندهمسایگی می‌باشد. ایران علاوه بر گسترش روابط با کشورهای پیرامونی با کشورهای همسواز جمله چین و روسیه در طول یک سال گذشته تعامل و همکاری‌های قابل قبولی داشته است. در حوزه رویکرد چندجانبه‌گرایی نیز شاهد تمایل دولت جهت پیوستن به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه اوراسیا، شانگهای و یا بریکس و همچنین تکاپو برای تقویت اکو و حضور فعال‌تر در جنبش عدم تعهد و سازمان همکاری اسلامی هستیم و همه این‌ها نیز از نقاط قوت دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی می‌باشد.

منابع

- borna (2022). "Minister of Health: Health diplomacy was activated in the 13th government". Tehran: borna. Available at SSRN: <https://www.borna.news/fa/tiny/news-1369078>
- Daragahi, Borzou (2021). "Iran Spent Years Preparing for a Taliban Victory. It May Still Get Stung". Atlantic Council, IranSource, 20 August www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/iran-spent-years-preparing-for-a-taliban-victory-it-may-still-get-stung/ (1 November 2021).
- Dareini, Ali Akbar (2021). "Iran's Foreign Policy under Raisi". Doha: Aljazeera. Available at SSRN: <https://studies.aljazeera.net/en/analyses/iran%E2%80%99s-foreign-policy-under-raisi>
- Eric Lob (2022). "Iran-Africa relations under Raisi: Salvaging ties with the continent". Middle East Institute, April 11, 2022.
- farsnews (2021). "The discourse of the new government and future governance". Tehran: farsnews. Available at SSRN: <http://fna.ir/2fg5f>, [In Persian]
- Ghorbani, Mostafa (2022). "Neighborhood theory in the foreign policy of the 13th government". Tehran: hamshahrionline. Available at SSRN: <https://b2n.ir/e58100>
- ion (2022). "Iran and multilateralism". Tehran: Ion. Available at SSRN: <http://www.ion.ir/news/791578>
- iribnews (2021). "Islamic Republic of Iran and axis of resistance in the 13th government". Tehran: iribnews. Available at SSRN: <https://www.iribnews.ir/00DbOO>
- irna (2022). "Economic diplomacy and two strategies of the 13th government". Tehran: Irna. Available at SSRN: <https://irna.ir/xjJNTk>
- Khalili, Mohsen (2018). "Neighboring Iran and multi-neighbor foreign policy". Political geography research 3 (11).
- Michaud J, Kates J. (2013). "Global health diplomacy: advancing foreign policy and global health interests". 2013;1(1):24-28. <http://dx.doi.org/10.9745/GHSP-D-12-00048>
- Mohammadbagher, Forough (2021). "Raisi's Foreign Policy: Pragmatic Revolutionism and the Iranian Pivot to Asia". German Institute for

- Global and Area Studies (GIGA). Available at SSRN: <https://www.giga-hamburg.de/en/publications/giga-focus/raisi-s-foreign-policy-pragmatic-revolutionism-iranian-pivot-asia>
- Mohseni, Payam, and Hussein Kalout (2017). "Iran's Axis of Resistance Rises". in: Foreign Affairs, 24 January.
- Nasr, Vali, and Seyed Hossein Mousavian (2021). "Separate the Iran Deal from Regional Security Negotiations", in: Foreign Policy, 22 September.
- qudsonline (2022). "A look at the thirteenth diplomacy". Mashhad: Qudsonline. Available at SSRN: <https://www.qudsonline.ir/news/816288/>
- rahbordemoaser (2021). "What is the slogan and name of Ayatollah Raisi's government?". Tehran: rahbordemoaser. Available at SSRN: <https://b2n.ir/q71310>, [In Persian]
- Salehi-Isfahani, Djavad (2021). "The Dilemma of Iran's Resistance Economy". in: Foreign Affairs, 17 March.
- Sonboli, Nabi (2022). "Balanced foreign policy, dynamic diplomacy and intelligent interaction". Tehran: IPIS. Available at SSRN: <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/690245>, [In Persian]